

شاهزاده ایران‌گرا؛ بررسی وضعیت گرجستان و نقش الکساندر میرزا

در جنگ‌های ایران و روسیه*

گودرز رشتیانی**

چکیده

علی‌رغم نگارش کتب و مقالات متعدّد فارسی، روسی، گرجی، انگلیسی و... درباره جنگ‌های ایران و روسیه، همچنان بخش‌هایی از حوادث این دوره، ناشناخته مانده است. یکی از موضوعات مورد توجه در این باره، وضعیت داخلی گرجستان و گرایش برخی از مردم و شاهزادگان گرجی به اعاده حاکمیت ایران بر این منطقه و مقابله با سیطره روسیه است که در منابع روسی به آن توجهی نشده یا موضوعی کم اهمیت جلوه داده شده است. شاهزاده الکساندر میرزا فرزند ارکله دوم با تلاشی خستگی‌ناپذیر در تمام ایام جنگ‌های ایران و روسیه از هر امکانی، از جمله حضور در داغستان، همراهی با لشکریان ایران، رهبری قیام‌های مردم گرجستان بر ضد روسیه، مکاتبه با ناپلئون و... برای برقراری احیای پادشاهی کارتل - کاخ تحت سیادت ایران استفاده کرد. به دلایل مختلف، از جمله فروپاشی نظام اداری و دیوان‌سالاری گرجستان توسط روسیه، قدرت برتر نظامی و لجستیکی آن کشور، عدم کارآمدی و ضعف تشکیلات نظامی ایران، همچنین ناتوانی در بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌آمده و علی‌رغم گرایش بسیاری از حاکمان و مردمان منطقه قفقاز به طرفداری از دولت قاجار، دو دوره جنگ‌های ایران و روسیه منجر به شکست ایران و بسط نفوذ تزارها در سراسر قفقاز گردید و تلاش‌های الکساندر میرزا نیز در جهت استفاده از قبایل داغستانی و شورش اهالی گرجستان در مقابله با روسیه نتیجه‌ای به دنبال نداشت.

کلیدواژه‌ها: ایران، گرجستان، روسیه، قفقاز، الکساندر میرزا، جنگ‌های ایران و روسیه، قاجاریه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۳

** تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۴/۲۶

E-mail: rashtiani56@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ از دانشگاه تهران.

۵۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

مقدمه

گرجستان از جمله مناطق قفقاز است که از دوران باستان پیوستگی‌های سیاسی، جغرافیایی و تمدنی بسیاری با ایران داشته است؛ به ویژه در دوره صفویه، گرجستان شرقی (کارتل - کاخ) یکی از چهار منطقه والی‌نشین این دولت محسوب می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۸۴). فروپاشی دولت صفویه در ۱۱۳۵هـ.ق / ۱۷۲۲م و اوضاع نابسامان داخلی ایران در سال‌های پس از مرگ نادرشاه (۱۱۶۰-۱۱۴۸هـ.ق / ۱۷۴۷-۱۷۳۵م) و کریم‌خان زند (۱۱۹۳-۱۱۶۵هـ.ق) زمینه‌های تضعیف حاکمیت ایران و افزایش قدرت روسیه در قفقاز را فراهم ساخت و / ارکله دوم^۱ (۱۷۹۸-۱۷۲۰م) که بعد از مرگ پدرش تیموراز دوم^۲ (۱۷۶۲-۱۶۸۰م) در سال ۱۱۷۵هـ.ق / ۱۷۶۲م پادشاهی کارتل - کاخ را ادغام و در رأس آن قرار گرفته بود، برای مقابله با نفوذ عثمانی و رهایی از حملات قبایل داغستانی (به ویژه لزگی‌ها) در سال ۱۱۹۷هـ.ق / ۱۷۸۳م با عقد قرارداد گیورگیوسک (Georgivesk) (گوگجه، ۱۳۷۳: ۹۸-۹۷؛ Doc No: 347, Bournoutian, 2001, Russia, :159) اقدام سرنوشت‌سازی برای حضور روس‌ها در قفقاز جنوبی انجام داد. مطابق این توافق‌نامه، پادشاه گرجستان خود را تحت‌الحمایه روسیه قرار داد و متعهد به پرهیز از هرگونه ارتباط با ایران و عثمانی شد. روس‌ها نیز تداوم حکومت گرجستان را در خاندان باگراتیونی و جانشینان ارکله تضمین می‌نمودند.^۳

گرچه قدرت‌یابی آقامحمدخان قاجار و تلاش وی برای اعاده حاکمیت ایران بر

^۱ Erekle - در منابع فارسی به صورت آراکلی، ارکلی، اراکلی و هراکلیوس نیز آمده است.

^۲ Teimuraz - در منابع فارسی به صورت طهمورث / تهمورث آمده است.

^۳ لازم به ذکر است که منوچهر فرساد در مجله کاوه، هم این عهدنامه و هم عهدنامه متعاقب گیورگی با روس‌ها را ترجمه و چاپ کرده بود. اما متن عهدنامه ارکله، دارای اشتباهات فراوانی بوده و ترجمه دقیق متن سند، نیست (فرساد، ۱۳۳۴: ۳۷/۵؛ ۳۳/۶).

مناطقى که بر آنها سیطره تاریخی داشت و حمله به تفلیس در سال ۱۲۰۹هـ.ق/۱۷۹۵م (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۷۶؛ لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۷۷) برای ایامی هرچند کوتاه، مرزهای ایران عصر صفوی را احیا نمود؛ اما مرگ او در ذیحجه ۱۲۱۱هـ.ق/ مه ۱۷۹۷م که از نقطه نظر تاریخی در شرایط نامساعدی برای ایران روی داد و نیز تلاش جدی *تزار الکساندر* (۱۸۰۳-۱۸۲۵م) که رویه‌ای در تضاد با سلف خود *پاول اول* (Paul) (۱۷۹۶-۱۸۰۱م) در پیش گرفته بود، ایرانیان را ناگزیر در مقابل توسعه طلبی تزارها قرار داد که پس از دو جنگ نسبتاً طولانی، دستاورد آن برای شاه قاجار چشم‌پوشی از سرزمین‌های ماورای ارس و بخشی از تالشان و به رسمیت شناختن حاکمیت روسیه بر آن مناطق بود.

واقعیت آن است که علی‌رغم آنکه کتب و مقالات متعددی درباره جنگ‌های ایران و روسیه نگاشته شده است، اما همچنان ابعاد و زوایای مختلف این تحولات، ناشناخته مانده است. منابع روسی مرتبط با حوادث این دوره، تصویر روشنی از کیفیت وقوع رویدادها، وضعیت داخلی مناطق قفقاز، نارضایتی و شورش‌های مردمی، موضع‌گیری‌های حاکمان محلی له یا علیه ایران و روسیه ارائه نمی‌دهند و در صورت اشاره، نگاهی جانبدارانه به طرفداری از سیاست‌های آن کشور دارند. ویژگی مهم این منابع تاریخ‌نگارانه آن است که تسلط روسیه بر قفقاز را خواست عمومی ساکنان و قدرت‌های محلی آنجا دانسته و از گزارش رویدادهایی که در تضاد با این نگرش است، خودداری نموده و یا حداقل توجه را داشته‌اند.

یکی از مسائل مورد توجه مربوط به تحولات این دوره، وضعیت داخلی گرجستان و نیز نقش شاهزاده گرجی، الکساندر میرزا فرزند ارکله دوم است که علی‌رغم اهمیت این موضوع، مورد توجه و بررسی پژوهشگران این حوزه قرار نگرفته است. از این‌رو در مقاله حاضر تلاش می‌شود با استفاده از منابع گرجی، روسی، فارسی و به ویژه اسناد منتشر

۵۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

نشده آرشيوهای گرجستان، بخش مهمی از تاریخ روابط ایران و روسیه، نقش شاهزاده الکساندر میرزا و وضعیت داخلی گرجستان در سه دهه اول قرن نوزدهم میلادی، بازنگری شود.

زندگینامه:

الکساندر (۱۲۶۰-۱۱۸۴ هـ ق / ۱۸۴۴-۱۷۷۰ م) که در منابع فارسی به الکساندر میرزا و اسکندر میرزا و در منابع گرجی به *الکساندر باتونوشویلی* (Batonishvili) (شاهزاده) مشهور است، فرزند ارکله دوم، پادشاه کارتلی - کاخ (۱۲۱۲-۱۱۷۵ هـ ق / ۱۷۹۸-۱۷۶۲ م) گرجستان است. در زمانی که بیست و پنج ساله بود در کنار پدرش در سال ۱۲۰۹ هـ ق / ۱۷۹۵ م برضد آقامحمدخان در تفلیس می‌جنگید. (دائرةالمعارف ایرانیکا، ذیل ماده الکساندر گرجستان در وب‌گاه: <http://www.en.wikipedia.org/Alexander of Georgia>) پس از درگذشت ارکله و نارضایتی از پادشاهی برادرش گیورگی یازدهم^۴ (۱۷۹۸-۱۸۰۰ م) در سال ۱۲۱۴ هـ ق / ۱۸۰۰ م اقداماتی در مخالفت با روس‌ها انجام داد که پس از چند بار ناکامی به داغستان پناه برد. در آنجا نیز به همراهی عمرخان آوار تا سال ۱۲۱۸ هـ ق / ۱۸۰۳ م به جنگ و گریز با نیروهای روسیه ادامه داد که سرانجام از قوای ژنرال کالیسکوف (Kaliskov) و ژنرال لازاروف (Lazarov) شکست خورد. (Ibid, Bournutian, Iranica) با الحاق گرجستان به روسیه (بیانیه تزار الکساندر در ۱۸۰۱ م) و برچیده شدن خاندان پادشاهی گرجستان که پیشینه‌ای بیش از چهارده قرن داشت، تلاش‌های الکساندر میرزا برای بیرون راندن روسیه وارد مرحله جدیدی شد. پیشروی روس‌ها به سمت گنجه و تصرف آن در رمضان ۱۲۱۸ هـ ق / ۱۸۰۴ م و آغاز جنگ اول ایران و روسیه

^۱ Giorgi در منابع فارسی به صورت گرگین‌خان آمده است.

شاهزاده ایران‌گرا؛ بررسی وضعیت گرجستان ... ۵۳

که ده سال به درازا کشید، او را در پیگیری اهداف خود و احیای پادشاهی کارتل - کاخ و مقابله با روس‌ها مصمم‌تر ساخت. از همین‌رو به همراه تعدادی از اطرافیان خود در ۱۸۰۳م به ایروان آمد. در ارمنستان با دختر ملک‌سهاک‌آغامال از بزرگان ارامنه ایروان ازدواج و به سمت تبریز حرکت کرد. (Ibid) در این شهر مورد استقبال فراوان قرار گرفت و به دستور فتحعلی‌شاه، چند قریه از قرای سلماس (احتمالاً ارمنی‌نشین) به وی اعطا شد. (Bournutian, Iranica) بدین ترتیب شاهزاده‌ای که زمانی به مقابله با شاه ایران پرداخته بود و با بازگشت آقامحمدخان، از طرف پدرش به فرماندهی لشکری گمارده شده بود تا به تنبیه جوادخان، حاکم گنجه، پردازد. (Iranis XVIII Saunkis: 168) تنها راه مبارزه با دشمن خود را پناه بردن به دربار ایران دانسته بود.

الکساندر میرزا در طول جنگ‌های ایران و روسیه یا در کنار لشکریان قاجار بود، یا رهبری قیام‌های گرجیان بر ضد روسیه را در سال‌های ۱۸۰۴ و ۱۲۲۷هق/۱۸۱۲م را بر عهده داشت. در فترت جنگ اول ایران و روسیه (۱۲۴۰-۱۲۲۸هق/۱۸۲۶-۱۸۱۳م) نیز تحت حمایت ایران در کوه‌های داغستان حضور داشت. (Orjonokidze, 1999: 123) که پس از فشار دولت روسیه برای دستگیری یا تبعید به پترزبورگ، (Orjonokidze, 1999: 119-123)، در ۱۲۳۴هق/ ۱۸۱۹م به ایران بازگشت. کر پروتر (Ker Proter)، سیاح انگلیسی، که در همان سال او را در تبریز دیده بود، در وصف او چنین گفت: «... نگاه کردن به این شاهزاده جسور، لجوج، فاقد علاقه و عاری از هر نوع شفقت و ترحم، غیرممکن بود... کسی که غرش پرشکوه تنهایی‌اش تهدیدی بود برای مردان غریبه‌ای که سلطنتش را پایمال کرده بودند». (Lang, 1957: 520) در جنگ دوم ایران و روسیه (۱۲۴۰-۱۲۴۳هق/ ۱۸۲۶-۱۸۲۸م) نیز در کنار لشکریان قاجار حضوری فعال داشت، اما پس از عهدنامه ترکمان‌چای برای همیشه در ایران اقامت گزید. در ۱۲۶۰هق/

۵۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

۱۷۴۴م در تهران درگذشت و در کلیسای ارامنه به خاک سپرده شد.

همراهی با عباس میرزا و ارتش ایران:

گفته شد که الکساندر میرزا پس از شکست در برابر نیروهای نظامی روسیه در ۱۸۰۰م به داغستان رفت و پس از اقامتی سه ساله به همراه تعدادی از گرجیان، از جمله برادرزاده‌اش تیموراز (فرزند گرگین خان) به ایروان و در ربیع‌الاول ۱۲۱۸هـ.ق/ژوئن ۱۸۰۳م به تبریز آمد.^۵ بنا به گزارش مورخان ایرانی همچون وقایع‌نگار مروزی و رضاقلی خان هدایت، الکساندر و تهمورث میرزا نیروهایی را با خود همراه داشتند. مورخ روسی بوتکف هم به این مسئله معترف است، اما کوشیده است تعداد این نیروها را کم جلوه دهد. او می‌نویسد الکساندر هنگام فرار به ایران، تقریباً ۴۰ یا ۵۰ نفر همراه داشت. (Butkov, 1803, 3/312) گرچه در سایر منابع، اشاره‌ای به تعداد دقیق همراهان وی نشده است، اما شواهد موجود دلالت بر تعداد بیشتری می‌کند که با گذشت زمان، بر تعداد آنها نیز افزوده می‌شد.

تا پیش از آغاز جنگ‌های ایران و روسیه، عمده تلاش‌های الکساندر میرزا در راستای اعلام هشدار به رؤسای طوایف و حاکمان محلی گرجستان نسبت به استقرار روس‌ها و یادآوری نظام پادشاهی فروپاشیده گرجستان بود؛ از این رو از نخستین روزهای ورود به ایران، ضمن ارسال نامه‌هایی به بزرگان گرجی، از آنها درخواست می‌کرد ارتباط خود را با روسیه قطع کنند. (Berzhe, 1866-1906: 2/137) او آن‌چنان به بیرون راندن روس‌ها امیدوار بود که به گرجیان وعده می‌داد در ماه اگوست (۱۸۰۳) با لشکریان ایران در

^۱ تعدادی دیگر از شاهزاده‌های گرجی مانند پرنواز (Parnavaz) و یولون (Yolon) در اوت ۱۸۰۳م به ایمرت (گرجستان غربی) رفتند و فعالانه برای آزادی گرجستان از سلطه روس‌ها مبارزه کردند.

تفلیس خواهد بود. (Ibid: 1/161)

حمله ژنرال سیسیانوف (Tssisyaynov) به گنجه و تصرف آن شهر در شوال ۱۲۱۸ هـ ق که منجر به کشته شدن جوادخان زیاد/علی و تعدادی از سپاهیان و خانواده وی شد، سرآغاز جنگ اول ایران و روسیه شد که ده سال (۱۲۲۸-۱۲۱۸ هـ ق / ۱۸۱۳-۱۸۰۴ م) به درازا کشید. (آرشو دولتی تاریخی گرجستان، ذخیره شماره ۱۴۵۲، دفتر چهارم، سند شماره ۱۰۱۸؛ همان آرشو، دفتر دوم، سند شماره ۴۶۸؛ نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۳-۱۹) پس از این حادثه و تلاش سیسیانوف برای تسلط بر سایر مناطق قفقاز، فتحعلی‌شاه، ولیعهد و حاکم آذربایجان عباس‌میرزا را به فرماندهی نیروهای ایران منصوب و به سوی ایروان اعزام کرد.

الکساندر میرزا در تمامی دوران جنگ، نقش فعالی داشت، او ضمن آنکه بیشتر تلاش خود را در همراهی با سپاه ایران سپری می‌کرد، همزمان، با ارسال نامه‌هایی به مناطق مختلف، آنان را دعوت به همراهی با ایرانیان در نبرد با روس‌ها، اعزام نیروی کمکی، تهیه تدارکات و وسایل مورد نیاز ارتش ایران می‌نمود. به عنوان مثال در نامه‌ای که در صفر ۱۲۱۹ هـ ق / ۱۸۰۴ م، برای کدخدایان و ریش‌سفیدان بورچلو فرستاد از ایشان خواست در حمایت از شاهزاده عباس‌میرزا که به سوی ایشان رهسپار است، از هیچ تلاشی دریغ نکنند و تدارکات مورد نیاز او را تهیه و از وی استقبال نمایند. (آرشو دولتی تاریخی گرجستان، ذخیره ۱۴۵۲، دفتر سوم، سند شماره ۵۶۰) نامه دیگری هم به علی‌آقا حکمران قزاق فرستاد. در این نامه ضمن سرزنش او به سبب کوتاهی در مقابله با نیروهای روس، از وی خواست چند سرباز مورد اعتماد نزد او بفرستد. (همان: سند شماره ۴۸۱) نامه‌های متعددی هم به زبان گرجی به حاکمان و متنفذان محلی مناطق گرجستان و قفقاز نوشت و آنها را دعوت به نبرد با روسیه نمود. (Orjonokidze, 1999)

۵۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

الکساندر میرزا، نامه‌های دیگری هم به سلیمان بیگ مباشر (آرشیو دولتی تاریخی گرجستان، ذخیره ۱۴۵۲، دفتر سوم، سند شماره ۸۰۹) نوشت و او را دعوت به همکاری با عباس میرزا در نبرد با روس‌ها کرد. ارمنیان بورچلو (همان: دفتر شماره ۲، سند شماره ۳۱۶؛ نیز ن.ک: همان: سند شماره ۵۶۰)، کدخداها و آقایان دمورچی (رشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۲۹)، ملیک/بو/ارمنی (همان: دفتر چهارم، سند شماره ۱۰۰۵) نیز از دیگر مخاطبان او بودند که از آنها خواسته بود برای مقابله با روسیه تلاش نمایند. در نامه‌ای هم که به ملک/بو از بزرگان ارامنه ارسال کرد، او را به همراهی با ایرانیان دعوت نمود. (رشتیانی، ۱۳۸۸: ۸۲)

مکاتبات فوق‌الذکر به همان میزان که بیانگر تلاش‌های الکساندر میرزا در مقابله با روسیه است، به همان میزان، گواه روشنی از وسعت اعتبار و اهمیت این شاهزاده، هم در مناطق گرجی و هم در مناطق ارمنی است. از سوی دیگر، حاکمان و قدرت‌های محلی همانند حسین‌خان/ایروان با ارسال نامه‌هایی به بزرگان مناطق مختلف، از آنها می‌خواست تا با الکساندر میرزا همکاری لازم را در نبرد با روسیه انجام دهند. (آرشیو دولتی تاریخی گرجستان، ذخیره ۱۴۵۲، دفتر دوم، سند شماره ۴۳۲) سلیم‌خان، حاکم شکی، که در ابتدا به روس‌ها گرایش داشت و بعدها در سیاست خود تجدید نظر نمود، در سال ۱۲۱۹ هجری در نامه‌ای به سسیانوف اعلام کرد که نیروهای ایران برای مقابله با روسیه حرکت کرده‌اند و الکساندر میرزا نیز متعهد شده است تا تمام گرجستان را به شورش بر ضد روسیه وادارد. (اداره انتشارات اسناد، ۱۳۷۲: ۲۰۹-۲۰۸) در نامه دیگری هم که فرزند/براهیم‌خان قراباغی به ژنرال سسیانوف نوشته، به همین موضوع اشاره شده است. (رشتیانی، ۱۳۸۸: ۳۱)

تلاش‌ها و فداکاری‌های الکساندر به همراه دیگر سرداران ایرانی در مقابله با سسیانوف که منجر به عقب‌نشینی او به تفلیس شد (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۷؛ هدایت، ۱۳۳۹: ۳۹۴/۹) باعث شد که فتحعلی‌شاه ضمن صدور فرمانی اعلام کند:

شاهزاده ایران‌گرا؛ بررسی وضعیت گرجستان ... ۵۷

... عالیجاهان امیرالامراء عظام پیرقلی خان قاجار و الکساندر میرزا والی به جانب ولایت گرجستان و تسخیر پنبک... عازم آن سرزمین شده بودند، نخست تمامی طوایف قزاق و بزچلو [و] پنبک و شمس‌الدینلو و سایر احشام و پنبکی به اتمام امر پنبک و انتظام ولایت گرجستان مأمور، که رفته رفته قلعه تفلیس را محصور ساخته‌اند.^۱ (آرشیو دولتی تاریخی گرجستان، ذخیره ۱۴۵۲، دفتر اول، سند شماره ۱۴۲)

گرچه وادار نمودن ژنرال روس به عقب‌نشینی از ایروان و شکست او، پیروزی نسبتاً مهمی برای ایرانیان بود و تأثیر بسزایی در روحیه آنان داشت، اما برخلاف وعده فتحعلی‌شاه، نیروهای ایران هیچ‌گاه موفق به محاصره تفلیس نشدند و در منابع فارسی و روسی، اشاره‌ای به این موضوع نشده است. همچنین عباس‌میرزا با صدور حکمی به خوانین، بیگ‌ها و ریش‌سفیدان کاباردای، چچن و اوسی در جمادی‌الثانی ۱۲۱۹ هـ.ق به شکست و ناکامی روس‌ها در تسخیر ایروان و شکست آنها در پنبک توسط پیرقلی خان و الکساندر میرزا اشاره کرد. (اداره انتشارات اسناد، ۱۳۷۲: ۱۶۷-۱۶۹) نکته جالب توجه دیگری که درباره الکساندر میرزا در جنگ‌های ایران و روسیه قابل ذکر است، نقش وی در برقراری ارتباط مناطق مختلف قفقاز و گرجستان با دربار و لشکریان ایران است. به عنوان نمونه، فتحعلی‌شاه در فرمانی خطاب به اهالی چرکس و دعوت آنها به مبارزه با روسیه اعلام نمود (در سال ۱۲۱۹) که الکساندر میرزا «نوشتجات ایشان را به عرض اقدس رسانیده است». (همان: ۱۹۶-۱۹۵) فرمان صادره دیگری از فتحعلی‌شاه نسبت به اهالی قراقلخان^۲ و دعوت به نبرد علیه روسیه (همان: ۶- ۱۷۵)، حاکی از نقش الکساندر میرزا در این وساطت است.

نکته قابل توجه در فرامین و احکام فتحعلی‌شاه و سایر کارگزاران ایرانی، آن است

^۱ تاریخ صدور فرمان، جمادی‌الثانی ۱۲۱۹ هـ.ق بوده است.

^۲ در زبان گرجی با نام دره آراگوی Aragvi شناخته می‌شود.

۵۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

که در همهٔ این مکتوبات از الکساندر به عنوان والی (والی گرجستان) نام برده می‌شود؛ به عنوان نمونه در (همان: ۲۰۴؛ رشتیانی، ۱۳۸۸: ۱۸، ۲۵، ۹۰) به نظر می‌رسد مقامات ایران با تأکید بر این عنوان، درصدد بوده‌اند ضمن یادآوری این پیشینهٔ تاریخی، به اهالی گرجستان اطمینان خاطر دهند در صورت پیروزی بر روسیه، الکساندر، حاکم گرجستان خواهد بود. البته این موضوع، جزو درخواست‌های اهالی گرجستان نیز بوده است. (رشتیانی ۱۳۸۴: ۱۷۴)

با پایان یافتن مرحلهٔ اول جنگ‌های ایران و روس، عباس‌میرزا در بهار ۱۲۲۰ هـ ق به سمت گنجه حرکت کرد و به محاصرهٔ آنجا پرداخت که البته موفق به تسخیر این شهر نشد، اما شش هزار نفر از مسلمانان آنجا را به تبریز کوچاند (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۳۶) و خود به آخسفه و قزاق (در جنوب‌شرقی گرجستان) رفت و در این محل «جمعی از بزرگان کاخ و قلعه‌بیگی تفلیس به حضرت شتافته و نوازش یافتند». (همان؛ دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۵۶) گرچه در این منابع، توضیح بیشتری در این باره ارائه نشده است، اما به نظر می‌رسد، گرجیان بر اثر تلاش‌های الکساندر و نیز مشاهدهٔ پیروزی‌های ایرانیان، ترغیب به انجام این عمل شده باشند.

جنگ‌های ایران و روس در سال‌های آتی در منطقهٔ قراباغ، رشت، باکو، لنکران و... ادامه داشت و اوضاع موجود، بدون آنکه تغییری به نفع یکی از طرفین داشته باشد، تداوم یافت و حتی به وساطت سرگور /وزلی (Sir Gore Ouseley) سفیر انگلیس در تهران،^۱ در سال ۱۸۱۲ گفتگوهایی برای ترک مخاصمه در جریان بود و طرفین مدتی در آتش‌بس به سر بردند. اما به دلیل عدم اعتماد طرفین و از جمله نگرانی روس‌ها از

^۱ علت اصلی مداخلهٔ انگلیس، نگرانی از پیشروی اروپا بود و مطابق توافق‌نامهٔ انگلیس - روسیه در ژوئیهٔ ۱۸۱۲م طرفین مهم‌ترین راه جلوگیری از قدرت ناپلئون را در این دانستند که هر دو کشور، با تمام قوای خود، علیه فرانسه وارد عمل شوند

پیشروی قیام گسترده‌ای که به رهبری الکساندر میرزا در گرجستان آغاز شده بود (دنبلی، ۱۳۵۱: ۲۹۰)، طرفین به توافق نهایی دست نیافتند؛ چرا که حمایت ایران را عامل اصلی این شورش‌ها می‌دانستند، همچنین انعقاد قرارداد صلح بخارست در ۱۸۱۲م، میان عثمانی و روسیه و پایان یافتن جنگ‌های آنان، این امکان را برای روس‌ها فراهم ساخت تا عمده نیروهای خود را در قفقاز متمرکز کنند. روس‌ها با این کامیابی‌ها توانستند قیام گرجیان را به شدت سرکوب نموده و در نبرد «اصلاندوز» نیز شکست سختی بر عباس میرزا تحمیل نمایند. لازم به ذکر است نیروهای انگلیسی حاضر در اردوی عباس میرزا^۱ که فرماندهی توپخانه ایران را بر عهده داشتند، از دستور او مبنی بر شلیک توپ به مواضع روس‌ها سرپیچی کردند که این موضوع، عامل مهمی در شکست ایرانیان بود. متعاقب شکست اصلاندوز و تداوم درگیری‌ها در طالش و لنکران و تسلط روس‌ها بر لنکران، گفت‌وگوهای ترکِ مخاصمه به نتیجه رسید و عهدنامه گلستان در ۱۲۲۸هـ/ق / ۱۸۱۳م میان طرفین به امضا رسید. (برای آگاهی از پیش‌نویس‌های متعدد این عهدنامه، ر.ک: آرشیو دولتی تاریخی گرجستان، ذخیره ۲، دفتر شماره ۳، اسناد شماره ۲۶۱-۲۵۸، و اسناد شماره ۴۱۰-۴۰۷؛ نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۵۷/۱-۲۵۸) با انعقاد این قرارداد و سرکوبی شورش‌های گرجستان، امیدهای الکساندر میرزا و دربار ایران برای تسلط بر گرجستان، به یأس مبدل شد و دولت ایران بر تعلق آن به روسیه صحه گذاشت. دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه نسبت به دوره اول، مدت زمان کمتری به درازا کشید (۱۲۴۱-۴۳هـ/ق / ۱۸۲۶-۲۸م). مشخص نبودن مرزهای تعیین‌شده در عهدنامه گلستان، تعرضات روسیه به مناطق مرزی ایران، تظلم‌خواهی مسلمانان تحت سلطه روس‌ها، گسترش اندیشه جهادی و صدور فتاوی مربوط به لزوم آزادی مسلمین از قید کفار، اراده عباس میرزا برای جبران سرخوردگی ناشی از شکست‌های دوره اول جنگ‌ها،

^۱ مطابق این عهدنامه، دولت انگلیس متعهد به حمایت مالی و کمک به ایرانیان در جنگ با روسیه بود.

۶. فصلنامه تاریخ روابط خارجی

به نتیجه نرسیدن سفارت‌های طرفین و... از دلایل وقوع جنگ دوم ایران و روسیه بود. الکساندر میرزا که از عهدنامه گلستان تا سال ۱۸۱۹م در کوه‌های داغستان به سر می‌برد، در این سال به ایران آمد و در دوره دوم جنگ‌ها با روسیه نیز نقش مهمی داشت و از طرف فتحعلی‌شاه مأمور فتح تفلیس شد. (هدایت، ۱۳۳۹: ۶۴۸/۹) با شروع جنگ و در مرحله اول، ایرانیان توانستند در اندک‌زمانی به استثنای داغستان و گرجستان، تقریباً کلیه مناطقی را که در جنگ اول از دست داده بودند، باز پس گیرند. اما با تغییر فرماندهی روس‌ها و انتصاب پاسکویچ به جای یرملوف، نتیجه مورد نظر ایرانیان، محقق نشد و مناطق بیشتری را نیز از دست دادند که در نهایت، مطابق عهدنامه ترکمان‌چای (۱۲۴۳هق / ۱۸۲۸م) رودخانه ارس و منطقه طالش میان آنها تقسیم شد.

در این دوره، برخلاف مرحله اول جنگ‌های ایران و روسیه، شورش‌های مردمی، شبیه آنچه در سال‌های ۱۸۰۴ و ۱۸۱۲م در گرجستان به وجود آمد، شکل نگرفت. دلیل این امر را می‌توان در تحکیم تسلط روسیه بر گرجستان و سرکوبی شدید هرگونه مخالفت دانست. از همین رو بود که الکساندر میرزا و سایر شاهزادگان گرجی نیز به جز همراهی با لشکریان ایران، نتوانستند در امور داخلی گرجستان تحولی به وجود آورند.

نامه به ناپلئون:

از موارد جالب توجه در تاریخ معاصر ایران، ظهور پدیده‌ای موسوم به گرایش به «قدرت سوم» در صحنه بین‌الملل است که اولین بار فتحعلی‌شاه آغاز کرد. از آنجا که شاه، تحت فشارهای شدید دول روس و انگلیس قرار داشت و خود به تنهایی نمی‌توانست استقلال سیاسی کشور را در برابر آنها تأمین کند، لاجرم با دولت فرانسه به رهبری ناپلئون که ضمن سودای تصرف اروپا و روسیه، در صدد آن بود با عبور از عثمانی و

ایران و حمله به هند، انگلیس را وادار به تسلیم سازد پیمان اتحاد بست (عهدنامه فین‌کن‌اشتاین). در این قرارداد، تعهدات ایران و فرانسه نسبت به یکدیگر برای عبور ارتش ناپلئون از ایران و در اختیار قرار دادن مناطق مورد نیاز آن کشور و نیز نحوه حمایت از ایران در برابر روسیه، مشخص شده بود. متعاقب آن، و با ورود ژنرال گاردان فرانسوی، عباس‌میرزا توانست به تجهیز، آموزش و مدرن‌سازی بخشی از ارتش بپردازد. در بند چهارم قرارداد «فین‌کن‌اشتاین»، حق تملک ایران بر گرجستان به رسمیت شناخته شده بود. ناپلئون نیز در دستورالعمل صادره به ژنرال گاردان درباره گرجستان تأکید کرده بود:

... مقام روس‌ها در گرجستان که آخرین پادشاه آن را به واگذاری مملکت خود به امپراتوری روسیه وادار کرده‌اند، مستحکم نیست و مردم آن، چنین به نظر می‌رسد که روزگار تسلط ایران را به حسرت یاد می‌کنند. به علاوه، سلسله‌جبال که سرحد طبیعی ایران از طرف شمال محسوب می‌شود در شمال گرجستان قرار دارد و ایران نباید بگذارد که روسیه جمیع معابر این جبال را به تصرف خود بگیرد. (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۱۱؛ اعتضادالدوله، ۱۳۶۳: ۱۱۰-۱۱۱)

منظور ناپلئون از سلسله‌جبال، سرحد طبیعی ایران در شمال، سلسله کوه‌های قفقاز با نام البرز^۱ است که مرز کنونی روسیه با گرجستان را تشکیل می‌دهد و تنگه داریال (در آلان) که در منابع روسی به نام «جاده نظامی» خوانده می‌شود، در این منطقه قرار دارد. این معبر تا پیش از تسلط روسیه بر داغستان و شهر دربند، یگانه راه ارتباطی آن کشور با مناطق قفقاز جنوبی محسوب می‌شد.

اتحاد ایران و فرانسه در نبرد با روسیه، این فرصت را به شاهزادگان گرجی داد که از طریق آن دولت نیز برای احیای پادشاهی خود و بیرون راندن روس‌ها از سرزمینشان تلاش کنند. از این‌رو شاهزادگان گرجی، الکساندر میرزا و تهمورث میرزا با ارسال نامه‌های

^۱ در منابع روسی و اروپایی البروس Elbrus خوانده می‌شود. قلّه البروس با ۵۶۴۲ متر ارتفاع که بزرگترین کوه روسیه است در این سلسله جبال قرار دارد.

۶۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

جداگانه‌ای به ناپلئون، خواستار توجه آن دولت در بیرون راندن روس‌ها و احیای پادشاهی گرجستان شدند.^{۱۱} الکساندر میرزا در نامه خود، پناه بردن برادرش گیورگی به روس‌ها را عملی از روی بی‌فکری و نابخردی می‌داند که در نتیجه آن، روس‌ها با عدم ایفای تعهدات خود، نه تنها باعث آسایش بیشتر گرجیان نشدند، بلکه مصیبت‌های فراوانی هم برای آنان به بار آوردند و تمام خانواده او را از گرجستان تبعید کردند. در پایان نیز از ناپلئون درخواست کرد تلاش‌های لازم برای بیرون راندن روس‌ها از گرجستان و احیای حکومت او انجام دهد. تهمورث میرزا هم در همین سال (۱۸۰۹م/ ۱۲۲۴هـ.ق) در نامه‌ای با همین مضمون، خواستار توجه ناپلئون برای بازگشت ایشان به سرزمین خود و احیای پادشاهی گرجستان شد. این اسناد که در آرشیو ملی فرانسه نگهداری می‌شوند، بیانگر کیاست شاهزادگان گرجی در جلب نظر دولت فرانسه و کسب حمایت آن کشور برای تحقق اهداف خود هستند. لازم به توضیح است که هرگونه تلاش ناپلئون برای برآوردن خواست شاهزادگان گرجی در چارچوب کلی روابط ایران و فرانسه قرار می‌گرفت که البته با عهدنامه تیلسیت (۱۸۰۷م) میان فرانسه و روسیه و عدم اجرای قرارداد فین‌کن‌اشتاین، موضوعیت گرجستان نیز برای فرانسویان به فراموشی سپرده شد. (تاج‌بخش، ۱۳۶۲: ۲۲)

رهبری قیام‌های گرجستان:

قیام ۱۸۰۴م

روس‌ها پس از ورود به گرجستان (قبل از شروع جنگ‌های روسیه با ایران) آن سرزمین را به وسیله یک مقام نظامی که «فرمانده نظامی گرجستان» خوانده می‌شد،

^۱ لازم به ذکر است این نامه‌ها با هماهنگی دربار ایران و به زبان فارسی نوشته شده بودند و در چارچوب کلی روابط ایران - فرانسه قابل تحلیل و بررسی هستند.

شاهزاده ایران‌گرا؛ بررسی وضعیت گرجستان ... ۶۳

اداره می‌کردند. با انحلال پادشاهی گرجستان در ۱۸۰۰م بر تعداد نیروهای روسیه و حوزه قدرت آنها افزوده شد. به ویژه آنکه عمده سربازان و فرماندهان اعزامی به قفقاز، به نوعی از افراد مغضوب و تبعیدی ارتش تزاری محسوب می‌شدند که می‌بایست در مناطق دورافتاده و فاقد امکانات، مأموریت خود را به سر برند. با شروع جنگ‌های ایران و روسیه بر مشکلات مردمان این مناطق افزوده شد و گرجیان و ساکنان مناطق مختلف از اولین روزهای شروع جنگ، مجبور به تأمین هزینه و مایحتاج نیروهای روسیه بودند. در این میان، مردمانی که در مسیر عبور نیروهای ارتش قرار داشتند، زیان بیشتری متحمل می‌شدند. با تداوم این اوضاع، ساکنان این مناطق بارها از مقامات ارشد روس درخواست رفع ظلم و تعدی نمودند. اما این مقامات به درخواست‌های گرجیان توجهی نداشتند و خواسته‌های آنها را نوعی شورش و عدم اطاعت تلقی می‌کردند. به عنوان مثال، فرماندهان روسی در جواب تظلم‌خواهی گروهی از ساکنان کوهستان‌های شمال گرجستان که به *ژاموری‌ها* (Zhamuriebi) معروف بودند، یک افسر را به سرکوبی آنها فرستادند و او نیز،

آنها را دستگیر کرد و در ظروفی که سگ‌ها از آن غذا می‌خوردند، آب پنیر ریخت، لاشه‌های گربه‌ها و فضولات انسانی هم به آن اضافه کرد و با اجبار به خورد آنها داد؛ سپس منازل و محصولاتشان را هم به آتش کشید. (Berzhe, 1866-1906: 2/305)

همچنین نیروهای نظامی روسیه به هنگام عبور از تیولت (Tyolet) (در شمال گرجستان) علاوه بر مصادره اموال، به زنان و دختران تعرض نمودند و تعداد زیادی از مردم را نیز به قتل رساندند. (Ibid: 2/311) موارد فوق و تداوم ستم روس‌ها، برانگیخته شدن خشم ساکنان شمال گرجستان و قیام آنان را به دنبال داشت.

با گسترش دامنه اعتراضات، ژنرال سیسیانوف معاونش، ژنرال ولکنسکی (Volkonski) را مأمور سرکوب شورشیان کرد و خود به طرف ایروان حرکت نمود. (Ibid: 2/311) «شورشیان

۶۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

در پاسخ مأموران روسی گفتند «ما بین تازیانه، هتک حرمت زنان و مرگ این‌گونه، این آخری را ترجیح می‌دهیم» (Ibid). جرقة شورش در این منطقه به سرعت، در دیگر مناطق گرجستان گسترش یافت و کوهستان‌های کارتل (Kartli)، چارتل (Chartl)، پشاو - خوسورها (Pshav-Khevsur)، اُست (Oset)، کاخ (Kakhet) و سموق (Somugh) و... نیز از مناطقی بودند که مبارزه با روس‌ها را آغاز کردند. شورشیان به ایمرت (Imeret) پیک‌هایی فرستادند و دو تن از شاهزادگان فراری، یعنی پرنواز (Parnavaz) و یولون را به نزد خود فراخواندند. (Sakartvelos Istoriis Narkveebi, 1973: 917)

در ربیع الاول ۱۲۱۹هـ/ق ژوئن ۱۸۰۴م، یولون و پرنواز از ایمرت وارد کارتل شدند و تلاش کردند به مناطق شورشی نفوذ کرده تا از آن طریق بتوانند پادشاهی منسوخ شده گرجستان را بازسازی کنند. فتحعلی‌شاه با صدور حکمی، به او دستور داد که با نیروهای لژی به تفلیس و مواضع روس‌ها حمله برده و کلّ منطقه تفلیس و گرجستان را به تصرف درآورد. (Berzhe, 1866-1906: 2/812) در فرمان‌های دیگری که فتحعلی‌شاه به اهالی کاخ و سموق در ذیحجه ۱۲۱۸هـ ق صادر کرد، ضمن اعلام پیوستن الکساندر میرزا و تهمورث میرزا به اردوی ایران، اعلام نمود که آنها به همراهی عباس‌میرزا برای رها ساختن گرجستان از بند روسیه حرکت خواهند کرد. (اداره انتشارات اسناد، ۱۳۷۲: ۲۰۹-۷-۱۴۶ و ۱-۱۵۰)

علی‌رغم گستردگی شورش و کسب موفقیت‌هایی در مرحله اول این قیام، به علت کمبود امکانات، خیانت تعدادی از گرجیان و موفقیت روس‌ها در کسب حمایت اهالی دره کسانی (Ksani) شورشیان شکست خوردند؛ تعدادی از آنان کشته شد و یولون نیز به اسارت درآمد. (Berzhe, 1866-1906: 2/133) پرنواز و لوان^{۱۲} (فرزند یولون) موفق به فرار شده و پس از عبور از آخال تسیخه به پنبک که نیروهای ایران در آنجا حضور داشتند، وارد شدند.

^۱ Levan در منابع فارسی لیوان میرزا.

مرحله جدیدی از شورش‌ها در ماه آگوست ۱۸۰۴م آغاز شد و شورشیان موفق به تصرف مناطق دیگری مانند لومیس (Lumis) شدند. (Ibid: 2/326-327) شورش به دره‌ی «کسانی» که در مرحله اول از روس‌ها حمایت کرده بودند هم رسوخ کرد و در ۲۰ آگوست، پادگان روسی مستقر در توشت (Tushet) به آتش کشیده شد. (Ibid: 331) در سپتامبر همان سال، پرنواز به تیولت رفت و با حمایت کاختیان به شورش ادامه داد. اما در این مرحله نیز، گرجیان توفیق چندانی در غلبه بر روس‌ها پیدا نکردند و به ویژه با بازگشت ژنرال سیسیانوف از ایروان، که در تصرف آن ناکام مانده بود، نیروهای کمکی فراوانی برای سرکوبی شورشیان اعزام نمودند. در نتیجه، ابتدا آراگوی‌ها، سپس ساکنان دره لیاخفی (Lyakhfi)، آس‌ها و همه آنان سرکوب شدند. شاهزاده پرنواز دستگیر و به روسیه فرستاده شد و سیصد نفر از همراهانش را نیز زندانی کردند. (Dubrovin: 4/389) Sakartvelos Istoriis Narkveebi, 1973:920 بدین ترتیب شورشی که با تحریک و حمایت ایران و نیز به آرزوی بازسازی نظام پادشاهی گرجستان رخ داده بود، سرکوب شد و روس‌ها اقدامات جدی‌تری را برای جلوگیری از شورش‌های آتی آغاز کردند.

قیام ۱۸۱۲م:

در طول جنگ ده ساله ایران و روسیه، گزارش‌های زیادی از حضور گرجیان در کنار نیروهای عباس‌میرزا، و نیز اعلام آمادگی آنان برای مقابله با روس‌ها ارائه شده است. دنبلی در *مآثر سلطانیه* در ذیل وقایع سال ۱۲۲۴هـ ق می‌نویسد: «نامه‌هایی از والیان باشاچق و آخسفه نزد فتحعلی‌شاه آمده «محقق گشت که آنها و اهالی گرجستان که در این چند سال از نواب نایب‌السلطنه انواع نوازش و خواطر جمعی دیده و وصف چاکرنوازی و ادای حقوق خدمتگزاران و جان‌سپاران، از نزدیک و دور شنیده ...» اظهار آمادگی

۶۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

کردند که با آمدن لشکریان ایران به آن حدود، نهایت تلاش و فداکاری خود را در خصوص بیرون راندن روس‌ها انجام دهند. (دنبلی، ۱۳۵۱: ذیل وقایع ۱۲۲۴)

با گذشت زمان و به خصوص پس از معاهده صلح روسیه - عثمانی بر تعداد نظامیان روسی مستقر در گرجستان برای مقابله با ایران، افزوده می‌شد و بدیهی بود که تأمین مخارج و مایحتاج ایشان نیز بر عهده مردمان آنجا قرار می‌گرفت. این موضوع افزایش بی‌سابقه فشار مالیاتی بر گرجیان را به دنبال داشت. علاوه بر آن، روس‌ها از دهقانان و مردم عادی نیز برای حضور در لشکرکشی‌ها استفاده می‌کردند که این امر، نارضایتی زمین‌داران گرجی که دهقانان تحت اختیارشان را از آنها جدا می‌کرد، فراهم ساخت. به مجموعه عوامل فوق، قحطسالی ۱۸۱۱م و همچنین گسترش نوعی بیماری که از آخال تسخیه آمده بود نیز افزوده شد. بر اثر این عوامل، در حدود یک سوم جمعیت ایمرت (Dubrivin, 1871-1888: 5 /453) (۳۲ هزار و ۸۵۰ نفر) (Berzhe, 1866-1906: 6 / 530-531) کشته شدند. در کارتل - کاختم ۴۲۵۵ نفر از بین رفتند (Ibid, 36). قیمت نان، چهار پنج برابر شد و روس‌ها به دستور پاولیچ (Pavolich)، انبارهای گندم‌ها را به اجبار، بسیار ارزان‌تر از قیمت واقعی خریداری می‌کردند. (Sakartvelos Istoriis: 921) (Narkveebi, 1973) این عوامل، نارضایتی گرجیان را تشدید ساخت. از این‌رو در صفر ۱۲۲۷هـ / ۳۱ ژانویه ۱۸۱۲م ساکنان آخمت (Akhmet) (واقع در دره پانکیس (pankisi) مرز فعلی روسیه با گرجستان) و اهالی دیگر مناطق اطراف، شورش نموده و روس‌ها را از مناطق خود بیرون راندند. زمین‌های قیام، آن چنان گسترده بود که با جرقه اولیه آن در آخمت، این شورش به سرعت در تمام منطقه کاختم (گرجستان شرقی) گسترده شد. شورشیان، شهر تلاو (مرکز کاختم) را به تصرف درآورده و روس‌های مقیم در قلعه را به محاصره درآوردند. (Dubrivin, 1871-1888 : 5 /466)

بیانیه‌ای که دهقانان شورشی در ذکر دلایل شورش خود نوشته بودند، جالب توجه است: ... ما می‌دانیم تعدادمان در مقایسه با روس‌ها کم است و هیچ امیدی به شکست آنها نداریم و می‌دانیم که ما را قلع و قمع می‌کنند ... آنها می‌خواهند با بی‌عدالتی و ظلم حاکمان، ما را نابود کنند ... وقتی که ما از محصولات و دسترنج‌های خود می‌خوریم وحشیانه غذا و توشه ما را می‌گیرند... از خانه‌هایمان بیرون رانده شده‌ایم، انبارهای غذایمان غارت شده، خمرهای شرابمان باز شده و توسط سربازان نوشیده شده است. زن‌ها و دخترهایمان مقابل چشم‌هایمان هتک حرمت شده‌اند. پس از این همه فلاکت، زندگی چگونه بر ما لذت‌بخش است؟! ... (Lang, 1962: 55).

نسخه/تواریخ در ذیل وقایع ۱۲۲۷ ه ق / ۱۸۱۲ م گزارش می‌دهد:

... اما چون خبر فتح سلطان و غلبه اسلامیان بر روسیان در اراضی گرجستان پراکنده شد، مردم قسق^{۱۲} که از حکومت روسیه در زحمت بودند، دل قوی کرده همدست و همدستان، بر افواج روسیان که حافظ آن اراضی بودند، بیرون تاختند و تمامی آن جماعت را مقتول ساختند. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۲۲۲-۲۲۱)

تصرف کیزیق، شکست روس‌ها در ماناو (Manav)، و کاکانت (Kakanet) از دیگر موفقیت‌های شورشیان بود و تلاش‌هایی را برای بستن تنگه داریال انجام دادند تا از ورود نیروی کمکی روسی جلوگیری کنند. (Sakartvelos Istoriis Narkveebi, 1973: 922). شورش پشاو - خوسورها (pshav-khevsur) در دوشت و محاصره آنانور (Berzhe, 1866-7) و گسترش آن در متیولت (Mtulet)، خو (Khev)، گودامقار (Gudamghar) (5/0-7 : 1906) و ... مشکلات روس‌ها را چند برابر کرد. گسترش شورش در کارتلی (Sakartvelos : 922). (Istoriis Narkveebi, 1973) روس‌ها را به شدت هراسان کرد، اما در همان لحظات اول، آن را سرکوب کردند. پاولیچ از راه مذاکره نتوانست شورشیان را وادار به تسلیم کند؛ از این‌رو شروع به حمله نظامی کرد. ژنرال برای ترس و ارعاب، شورشیان دستگیر شده را

^۱ صورت اصلی آن در گرجی کیزیق Kizigh است.

۶۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

اعدام می‌کرد. اما به دلیل گستردگی زیاد این قیام و نیز درگیری ارتش روسیه با ایران، سرکوب شورشیان چندان موفقیت‌آمیز نبود.

در ۱۳ مارس ۱۸۱۲م کمیسیون فرماندهی دولت روسیه تشکیل شد، تا نحوه سرکوب شورش را بررسی کند. (Berzhe, 1866-1906: 5/64-65) این کمیسیون عدم کفایت و نوع فرماندهی پاولیچ را علت پیدایش این شورش‌ها تشخیص داد. از این‌رو او را از مقامش برکنار و ژنرال ردیشچف (Rtishchev) به عنوان حاکم گرجستان (که بالطبع فرمانده نیروهای روسی در مبارزه با ایران هم بود) انتخاب شد. ردیشچف نیز در سرکوب شورشیان توفیقی به دست نیاورد؛ از این‌رو، کمیته‌های تشکیل شده برای بررسی شورش را لغو و نیروهای بیشتری از دولت پترزبورگ برای سرکوب شورشیان درخواست کرد. (Sakartvelos Istorii Narkveebi, 1973: 924)

در اواسط سال ۱۸۱۲م، الکساندر میرزا در رأس این شورشیان قرار گرفت. اهالی کاخ ۳۰ تن از بزرگان خود را در تابستان همان سال نزد الکساندر فرستاده بودند و از «او به عنوان حاکم جدید گرجستان برای سرکردگی شورش خود دعوت کردند». (Ibid: 924)

دربار ایران، به خصوص عباس‌میرزا، ارتباط تنگاتنگی با شورشیان برقرار کرده بود. همچنین فرمان‌های زیادی به نواحی مختلف گرجستان ارسال شد که همه آنها دلالت بر تداوم مبارزه با روس‌ها و درخواست حمایت از نیروهای ایران داشت. عباس‌میرزا با صدور فرمانی به اهالی کاخ، ضمن ارج نهادن به شورش آنها علیه روسیه در منطقه قسق که منجر به کشته شدن شش هزار نظامی روس و غنیمت‌گرفتن اموال آنها شده بود، به آنها اعلام کرد که حسین‌خان سردار ایروان و الکساندر میرزا برای کمک به آنها در مقابله با روسیه حرکت خواهند کرد. (اداره انتشارات اسناد، ۱۳۷۲: ۲۵۲-۲۵۰) اهالی کارتل (آرشیو دولتی تاریخی گرجستان ذخیره ۱۴۵۲، دفتر اول، اسناد شماره ۱۶۰، ۱۶۸)؛ گودامقار، پشاو - خوسور (همان،

شاهزاده ایران‌گرا؛ بررسی وضعیت گرجستان ... ۶۹

سند شماره ۱۶۱، درّه‌های کسانی و لیاخوی (Liakhvi) (همان: اسناد شماره ۱۶۲، ۱۶۶)، کاخ (همان: سند شماره ۱۷۲؛ Berzhe, 1866-1906: 5/86)، درّه آراگوی (آرشو دولتی تاریخی گرجستان، ذخیره ۱۴۵۲، دفتر اول، سند شماره ۱۶۳) و نیز دیگر اقوام و مناطق قفقاز از جمله کسانی بودند که عباس‌میرزا با ارسال خلعت‌ها و فرامینی آنها را دعوت به مبارزه با روس‌ها می‌کرد. عباس‌میرزا در فرمانی که در رمضان ۱۲۲۵ هـ ق / ۱۸۱۰ م برای لوان میرزا صادر کرد، از وی خواست حکم صادره برای بزرگان و اهالی کارتل را به آنها برساند. همچنین از او خواست، اگر در کارتل است و توانایی پیشبرد امور آنجا را دارد، در همانجا بماند، اما اگر در آنجا قادر به پیشبرد امور نیست، نزد سلیمان‌خان (سلمون دوم) (Solomon) برود و همه فغان کارتلی را دلگرم به لطف و عنایت ایران کند. (همان، سند شماره ۱۶۷)

محمدحسین‌خان ایروان نیز نامه دیگری برای لوان میرزا نوشت و با اظهار خوشحالی از اجتماع جمعیت شش هزار نفری گرجیان علیه روسیه، به وی اطلاع داد در آخال کلک با الکساندر میرزا ملاقات کرده و او به سوی کارتل حرکت خواهد کرد و خود او از طرف زلکه [تسالکه] و شریف‌پاشا هم از جانب آرغور به تغلیس عازم خواهد شد. (AKAK, 4/495)

الکساندر میرزا در سپتامبر همان سال از راه ایروان وارد گرجستان شد و به همراه یارانش به کوهستان‌های گرجستان رفت. ورود الکساندر میرزا تأثیر فراوانی بر گسترش دوباره شورش‌ها داشت؛ حتی در کارتل هم جنبش‌هایی آغاز شد و بزرگان و دهقانان زیادی از آنجا نزد الکساندر رفتند.^{۱۴} (Sakartvelos Istoriis Narkveebi, 1973: 925)

الکساندر، مبارزه گرجیان را وارد مرحله جدیدی کرد و به آن شکل تهاجمی بخشید. او شورشیان را سازماندهی و به سه گروه تقسیم کرد. قرار بر این بود گروه اول از طریق

^۱ یک مورخ معاصر به نقل از A. Berzhe (اما جلد و صفحه آن را ننوشته) معتقد است که الکساندر میرزا به خاطر این شورش‌ها ۵۰ هزار روبل از ایران دریافت کرد (عبدالله‌یف، ۱۳۵۶: ۵۷).

۷۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

کاخت به طرف تفلیس حرکت کند. گروه دوم کنترل راه‌های کارتل - تیانت (Tyanet) را به دست آورد و گروه سوم راه شمالی گرجستان منتهی به تنگه داریال را کنترل و از ورود نیروهای جدید روسی جلوگیری کنند، خود الکساندر هم در کاخ حضور داشت.

(Sakartvelos Istoriis Narkveebi, 1973: 926)

متعاقب احکام و فرامین صادره فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا، ۱۲۰۰ لژی از داغستان به الکساندر میرزا پیوستند. در همه‌جای گرجستان جنگ بین نیروهای الکساندر با نظامیان روسیه درگرفت. طرفداری مردمان نواحی مختلف، عامل اصلی موفقیت شورشیان بود. ژنرال روسی هنگام درخواست ارسال نیروی کمکی تأکید می‌کرد که «همه‌جا به الکساندر میرزا جا و منزل می‌دهند و ما قادر به دستگیری او نیستیم». (Ibid: 926)

موفقیت اصلی شورشیان، کنترل جاده نظامی داریال بودند که در نتیجه آن، ارتباط روسیه با گرجستان قطع شده بود. در اکتبر همان سال، ژنرال ردیشچف که مشغول مذاکره با عباس‌میرزا در قراباغ بود، با اظهار به حمایت ایران از الکساندر میرزا، این گفتگوها را ناتمام گذاشت. در اوایل رمضان ۱۲۲۷ ژنرال آ.ک. وردف (A.K.Vordov) به اردوگاه نایب‌السلطنه آمد و اطلاع داد که «به علت همکاری ایران با الکساندر میرزا والی گرجستان و عدم رعایت شرایط متارکه که منجر به وقوع شورش در گرجستان شده است، مذاکرات صلح صورت نمی‌گیرد». (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۳۴۳؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۴-۳۶۳)

الکساندر میرزا در این دوره هم با ارسال نامه‌هایی به مناطق مختلف، برای جلب نظر و حمایت از لشکریان ایران و مخالفت با حضور روس‌ها تلاش می‌کرد. در نامه‌ای به ملک ابو (ارمنی) ضمن دعوت وی به همراهی، او را از هر گونه دغدغه و نگرانی برحذر داشت و به وی اطمینان خاطر داد که آنچه لازمه محبت و شفقت باشد، درباره او به عمل خواهد آمد. (رشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۳۱) الکساندر، نامه دیگری هم به دیگر بزرگان ارمنی (ملک

سرکیس، نادر کوخا، استیان کوخا، ... و کدخدایان و رعایای شلور) فرستاد و ضمن یادآوری همکاری گذشته ایشان در مبارزه با روس‌ها، از عدم اقدام آنها در مقابله با روسیه اظهار نگرانی نمود و ضمن دعوت آنها به همراهی در مبارزه، شکست روس‌ها را حتمی دانست. (همان: ۱۳۲)

بررسی منابع، حاکی از آن است که این نقش الکساندر میرزا، تا حد زیادی در مبارزه با روسیه کارساز بوده است. به عنوان نمونه، آقایان قزاق در نامه‌ای به وی، ضمن اظهار مسرت از دریافت فرمان فتحعلی‌شاه، ابراز امیدواری می‌کنند که تمامی نیروهای گرجستان نزد وی حاضر شوند و اوضاع، به خوبی پیش رود. (همان: ۱۳۴)

در این زمان نیز سرنوشت شورشیان گرجستان، به سرنوشت پیروزی یا شکست ایران گره خورده بود. از این‌رو با شکست عباس‌میرزا در اصلاندوز، حمایت ایران از شورشیان گرجی قطع شد و روس‌ها هم که پس از این نبرد دیگر نیازی به حضور نیروهای فراوان برای مقابله با عباس‌میرزا نداشتند، بخشی از نیروهای خود را به سرکوبی شورشیان گسیل کردند. در جنگ‌های پیش آمده در ماه اکتبر، الکساندر میرزا مرحله به مرحله متحمل شکست و مجبور به عقب‌نشینی شد. روس‌ها در سرکوب شورشیان چنان با قساوت عمل می‌کردند که کمتر کسی جرأت همکاری با شورشیان را پیدا می‌کرد.

الکساندر، مدتی را در کوهستان‌های خوسور گذراند و با وجود درخواست‌های مکرر ردیچف از او مبنی بر تسلیم شدن به نیروهای روسیه، به این درخواست‌ها جواب رد داد. (Sakartvelos Istoriis Narkveebi, 1973: 928) در ماه مه ۱۸۱۳م ارتش روسیه خوسور را تصرف کرد و الکساندر چاره‌ای جز رفتن به داغستان نداشت. خوسورها تاوان بسیار سختی به خاطر همکاری با الکساندر پس دادند و روستاهای بسیاری با خاک یکسان شد و شورشیان دستگیرشده نیز در مناطق مختلف به اعدام محکوم می‌شدند.

۷۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

(Ibid: 928-929)

با پایان یافتن شورش‌ها، ساکنان این مناطق مجبور به پرداخت مالیات سنگینی شدند، ۶۹۷۴۱ پوت^{۱۵} گندم، ۳۵۴۰۶ پوت جو و ۴۹۹۰۹ منات نقره‌ای، تاوانی بود که آنها مجبور به پرداخت آن بودند. (Berzhe, 1866-1906: 5/553) مقام مباشر که موقتاً (با منحل شدن مقام کاپیتان - حکمران) به درخواست شورشیان احیا شده بود نیز در این سال لغو شد. (Sakartvelos Istoriis Narkveebi, 1973: 930)

همان‌طور که گفته شد، بعد از عهدنامه ترکمان‌چای، امید الکساندر برای آزادی گرجستان از سلطه روسیه به یأس مبدل شد و باقی عمر خود را در ایران به سر برد و حتی در شورش گسترده‌ای که در سال ۱۸۳۲م در گرجستان بر ضد حاکمیت روس‌ها روی داد، نتوانست نقشی ایفا کند.

نتیجه

با فروپاشی دولت صفویه و گسترش مرزهای روسیه به مناطق جنوب، زمینه‌های مداخله آن کشور در سرزمین قفقاز فراهم آمد که در سال‌های اول فرمانروایی قاجار منجر به دو دوره جنگ‌های نسبتاً طولانی‌مدت و انعقاد عهدنامه‌های گلستان ۱۸۱۳م/ ۱۲۲۸هق و ترکمان‌چای ۱۸۲۸م/ ۱۲۴۳هق شد که دولت ایران، حاکمیت روسیه را بر ماورای ارس و بخشی از تالشان به رسمیت شناخت. از نکات تاریخی قابل توجه درباره نوع روابط ایران و گرجستان آن است که علی‌رغم آنکه در این سرزمین از سال ۴۷۶م نظام پادشاهی خاصی شکل گرفته بود، اما هیچ‌یک از حکومت‌های ایران از جمله دولت صفوی که تسلط کاملی بر قفقاز داشت در صدد انحلال این نظام برنیامدند و حداکثر

^۱ هر پوت ۱۶,۳۸۱ کیلوگرم است.

شاهزاده ایران‌گرا؛ بررسی وضعیت گرجستان ... ۷۳

اقدام آنها، برکناری پادشاه و انتصاب شخص دیگری به این منصب بود و یا برای احراز این مقام، شروط خاصی از جمله پذیرش اسلام و جاری شدن سنت بر وی تعیین می‌کردند. اما دولت روسیه در اولین اقدام پس از تسلط بر این منطقه و علی‌رغم قرارداد گیورگیوسک ۱۷۸۳م/ ۱۱۹۶هـ.ق که متعهد به تداوم پادشاهی گرجستان در خاندان ارکله شده بودند، در سال ۱۸۰۰م نظام پادشاهی آنجا را منحل و تمامی خاندان سلطنتی را به پترزبورگ تبعید کرد.

الکساندر میرزا (فرزند ارکله و برادر گیورگی دوازدهم، آخرین شاه گرجستان) به همراه بسیاری از شاهزادگان دیگر، حاضر به پذیرش وضعیتی جدید نبود و از این‌رو از هر امکانی برای برقراری مجدد حکومت خانواده خود بر گرجستان، تلاش می‌کردند. الکساندر در ابتدا به کوه‌های داغستان و قبایل موجود در آنجا (از جمله لزگی‌ها که گسترش قدرت روس‌ها در قفقاز را برای خود خطری جدی می‌دانستند) پناه برد و با حمایت از آنها به عملیات نامنظمی علیه قوای روس دست زد. شروع جنگ اول ایران و روسیه فرصت مناسبی برای او بود تا به هدف خود جامعه عمل بیوشاند، از همین‌رو دربار ایران نیز که به دنبال کسب حمایت اهالی قفقاز بود، از وی به گرمی استقبال نمود. در طول این دوره، الکساندر علاوه بر آنکه در کنار فرماندهان قاجار حضوری فعال داشت، در تلاش بود تا حمایت حاکمان محلی را برای مقابله با روس‌ها و کسب حمایت برای ایران جلب کند. مکاتبات بازمانده از او، حاکی از تلاش خستگی‌ناپذیر برای اعاده پادشاهی گرجستان تحت حمایت دولت ایران است. همچنین یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات وی، رهبری شورش‌های مردمی بود که در مناطق مختلف گرجستان در سال‌های ۱۸۰۴م و ۱۸۱۲م علیه حاکمیت و ستم روس‌ها شکل گرفت که خطر بزرگی برای فرماندهان روسی مستقر در قفقاز به حساب می‌آمد و برای مدتی، تمامی امکانات و نیروهای آنها را

۷۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

به خود مشغول کرد. اما الکساندر میرزا به دلایل مختلف، از جمله ضعف روزافزون قوای مسلح ایران در مقابل گسترش اقدامات نظامی روسیه در قفقاز، سرکوبی شدید هرگونه مخالفت مردمی، ناتوانی ایرانیان در سازماندهی مخالفت‌های مردمی و حاکمان محلی و ممانعت روس‌ها از هرگونه ارتباط گرجیان با وی، در تحقق هدف خود مبنی بر بازگرداندن گرجستان به دوره قبل از سلطه تزاری ناکام ماند.

منابع

فارسی:

- اتکین، موریل، (۱۳۸۲)، *روابط ایران و روس (۱۸۲۸-۱۷۸۰)*، ترجمه محسن خادم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- اداره انتشارات اسناد، (۱۳۷۲)، *اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز*، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- اعضادالدوله، عباس میرزا، (۱۳۶۳)، *تاریخ روابط ایران و ناپلئون*، تهران: انتشارات زرین.
- اعضادالسلطنه، علیقلی میرزا، (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: انتشارات ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- _____، (۱۳۵۷)، *صدرالتواریخ*، تصحیح و تحشیه و توضیح فهرست‌ها محمد مشیری، تهران، انتشارات روزبهان.
- تاج بخش، احمد، (۱۳۶۲)، *سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران نیمه اول قرن نوزدهم*، تهران: انتشارات اقبال.
- ژوانیان، زوراب، (۱۳۸۰)، «معرفی آرشیو ملی گرجستان»، در: *تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان (مجموعه مقالات)*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- چولوخادزه، الکساندر، (۱۳۸۱)، *فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان پیرامون تاریخ ایران*، جلد اول، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- رشتیانی، گودرز، (۱۳۸۴)، *فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان پیرامون تاریخ ایران*، جلد دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- رشتیانی، گودرز، (۱۳۸۸)، *فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان پیرامون تاریخ ایران*، جلد سوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حسینی شیرازی، فضل الله، (۱۳۷۹)، *تذکره خاوری یا خاتمه روزنامه همايون*، به تصحیح میرهاشم محدث، زنجان: انتشارات زنگان.
- دنبلی، عبدالرزاق، (۱۳۵۱)، *مآثر سلطانیه یا تاریخ جنگ‌های ایران و روسیه*، مقدمه و فهرست‌ها به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات ابن سینا.
- ساروی، محمد فتح الله بن محمدتقی، (۱۳۷۱)، *تاریخ محمدی، احسن التواریخ*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.

۷۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

- عبدالله‌یف، فتح الله، (۱۳۵۶)، *مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان*، ترجمه غلامحسین متین، تهران: انتشارات ستاره.
- عشقی، خانک، (۱۳۵۳)، *سیاست نظامی روسیه در ایران ۱۸۱۵-۱۷۹۰*، تهران: نویسنده.
- قائم مقام، ابوالقاسم بن عیسی، (۱۳۳۷)، *منشآت قائم مقام*، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- فرساد، منوچهر، (۱۳۳۴ق)، «نظری به تاریخ و درس عبرت (داستان گرجستان یا فردای ایران)»، *مجله کاوه*، برلین، شماره‌های ۵-۶.
- کاووسی عراقی، محمدحسن، (۱۳۸۲)، «چشم‌اندازی از روابط ایران و گرجستان مقارن تأسیس سلسله قاجار و نقش شاهزاده الکساندر میرزا»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال چهارم، بهار، شماره ۱۴.
- گاردن، کنت آلفردو، (۱۳۶۲)، *مأموریت ژنرال گاردن در ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: انتشارات گزارش و فرهنگ ایران.
- گوگچه، جمال، (۱۳۷۳)، *قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی*، ترجمه وهاب ولی، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی، (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- میرزا رفیعا، محمد رفیع بن حسن، (۱۳۸۵)، *دستورالملوک میرزا رفیعا*، به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، با مقدمه منصور صفت‌گل، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- نفیسی، سعید، (۱۳۶۸)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، تهران: انتشارات بنیاد.
- وقایع‌نگار مروزی، محمد صادق، (۱۳۶۹)، *آهنگ سروش: تاریخ جنگ‌های ایران و روس: یادداشت‌های محمدصادق وقایع‌نگار (هما) مروزی از آغاز تا عهدنامه ترکمان‌چای*، گردآورنده حسین آذر، تصحیح امیرهوشنگ آذر، تهران: مصحح.
- وستنفلد، ف. ماهر، ا. (۱۳۶۰)، *تقویم تطبیقی هزار و پانصدساله هجری قمری و میلادی، با راهنمای تبدیل تاریخ هجری شمسی به میلادی و بالعکس*، مقدمه و تجدید نظر: حکیم‌الدین قریشی، تهران: انتشارات فرهنگسرای نیاوران.
- هدایت، رضا قلی‌خان، (۱۳۷۳)، *فهرس‌التواریخ*، به تصحیح عبدالحسین نوائی، میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

انگلیسی:

Allen, W.E.D. (1971), *A History of the Georgian people*, london.

Bournoutian, G.A: *Encyclopedia of IRANICA*, Edited by: Ehsan Yarshater,
(see website: www.iranica.com/Alexander of Georgia).
Lang, D.M, (1962), *A Modern History of Georgia*, London.

روسی:

Avalov, z, (1901), *prisodinenie Gruzii k Rassii*, S.P.B..

(الحاق گرجستان به روسیه).

Berzhe, A, (1866-1906), *Akty sabranie Kavkazkoih Arkheograficheskoih Komissieih*, vol. I-XII. Tbilisi, .
(دستاوردهای کمیسیون باستان‌شناسی قفقاز).

Butkov, p, (1869), *Materiali Delya Novoih Istirii Kavkazas 1722 pa 1803 gg.* S.P.B.
(موادی برای تاریخ جدید قفقاز).

Dubrovin, N, (1871-1888), *Istoria vaini I vladichestva Russkikh na kavkaz*, vol I-VI, S.P.B.
(تاریخ تسلط روسیه بر قفقاز).

Markova, O, (1951), *Vastanie v kavkaz 1812 god*, Moscow..

(قیام قفقاز در سال ۱۸۱۲م).

Meskhia, sh, Tsintsadze, y, (1985), *Iz Istorii Russko- Gruzinskikh Vzait-Mootnosheniih*, Tbilisi, .

(تاریخ مناسبات روسیه و گرجستان).

Kheltouplishvili, M, (1901), *vestuplenie Gruzii sostav Rassiskoih Imperii, kutaisi*,
(الحاق گرجستان به امپراتوری روسیه).

گرجی:

Berdzenishvili, N, (1966), *Sakartvelos XIXs-is I Meotkheshi*, sakartvelos Istoriis Sakitkhebi, V,1.II, Tbilisi,

(گرجستان در ربع اول قرن نوزدهم).

Gabashvili, V, (1954), *Kartulli Diplomatiis Istoriidan, Mski*, Nakv.31, Tbilisi,

(تاریخ دیپلماسی گرجستان).

Gelashvili, A, (2003), *Kakhetis 1812 Tslis Ajangheba, Artunuti*, Tbilisi.

(شورش کاخت در سال ۱۸۱۲م).

- Iobashvili, (1997), *Sakartvelo Saertashoriso politikasa da Diplomatiashi XVIIIs-is Bolos da XIXS-is pirvel*, Mesamedshi, "Kartuli Diplomatia" Tselitsdeuli, 4, Tbilisi,
(دیپلماسی و سیاست بین المللی گرجستان در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن بیستم).
- Ioseliani, P, (1936), *Tskhovrba Giorgi Metsametisa*, Tbilisi,
(زندگانی گیورگی سیزدهم).
- Itonishvili, V, (1992), *Aghmosavlet sakartvelos Mtianetis Istoriidan*, Metsniereba, Tbilisi, (تاریخ مناطق کوهستانی شرق گرجستان).
- Javakhvili, I, (1919), *Damokidebuleba Rusetis da sakartvelos shoris XVIII Sau. Shi*, Tbilisi, (روابط روسیه با گرجستان در قرن هیجدهم).
- Kherkheolidze, oman, (1980), *Mepeta Iraki Meoris Mepis Timuraz Dzisa*, Tbilisi, (پادشاهی ارکله دوم فرزند تیموراز).
- Macharadze, V, (1983), *Georgiveski Traktati, Tbilisi*,
(قرارداد گیورگیوسک).
- proneli (Ghipshidze), A, (1907), *Ambokheba kakhetisa 1812 Tsels*, Tbilisi,
(قیام کاخت در سال ۱۸۱۲م)
- proneli (Ghipshidze), A, (1904), *Mtiuleti 1804 Tsels Tbilisi*,
(متیولتی در ۱۸۰۴م).
- Orjonikidze, Eter. (1999), *Alexander Batonishvilis Brdzola Rusulis Khelisuplebis Tsinaaghmdegy*, Alexander Batonishvilis Tsirelebi, Metsniereba. Tbilisi
(مقابله الکساندر باتونیشویلی با دولت روسیه و نامه‌های وی).
- Sakartvelos Istoriis Narkveebi, (1973), *Vol IV (sakartvelos xvi saukunis Dasatsghisidan XIX saukunis 30-Iani Tsebamde)*, *Sabchota sakartvelo*, Tbilisi, (تحقیقاتی در تاریخ گرجستان)
- Sharashanidze, Zurab, (1984), *Iranis shinapolitikurri vitareba Da sugareo urtiertobani XIXS. Dasatghis shi*, Metsniereba, Tbilisi,
(وضعیت سیاسی داخلی و روابط خارجی ایران در قرن نوزدهم).

Shengelia, L, (1979), *Amiravkasia da Iran- Rusetis urtiertoba XIX saukunis pirvel Mesadmedshi*, Metsniereba, Tbilisi,.

(ماورا قفقاز و روابط ایران - روسیه در سه دهه اول قرن نوزدهم).

Shenghlia, L, (2001), *Sakartvelos Rusettan Sheertebis Gamodzakhili Iranul Istoriogra piashi*, Kartuli Diplomatia, No8, Tbilisi,.....

(بازتاب الحاق گرجستان به روسیه در تاریخ‌نگاری ایرانیان).

Todua, M, (1995), *Tbiliskaya kolektisa persideskikh firmanov*, Vol 1, kutuisi,

(کلکسیون فرامین فارسی در تفلیس جلد اول).

Todua, M, Shams. I.K, (1989), *Tbiliskaya kolektsia persidskikh firmanov*, Vol 2, kutaisi,

(کلکسیون فرامین فارسی در تفلیس جلد دوم).

Tsintsadze, I, (1960), *1783Tslis Mparvelobiti Traktati*, Tbilisi.

(قرارداد تحت حمایتی سال ۱۷۸۳م).